



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۸۹

پاسخنامه

پایه :	۳	موضوع :	نحو ۵
تاریخ :	۸۹/۶/۲۷	ساعت :	۸

نام کتاب: معنی‌الادیب، باب رابع

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. کدام گزینه، از احکام صفت مشبّهه است؟ ا ۶۰-۵۹ (ع: ۱ د: ۲)
  - ا. لا تكون إلاّ للحاضر ☒
  - ب. تكون مجاریة للمضارع غالباً ☐
  - ج. یفصل مرفوعها ومنصوبها ☐
  - د. لا تخالف فعله فی العمل ☐
۲. کدام یک از عطف‌های زیر صحیح است؟ ب ۷۱-۳ (ع: ۳ د: ۲)
  - ا. ما زید قائماً لکن قاعداً ☐
  - ب. هذا ضارب زید وأخاه ☒
  - ج. ضربتُ زیداً وبکرٍ ☐
  - د. أعجبتُ ضربُ زید وعمرُو ☐
۳. در کدام گزینه، ضمیر شأن به درستی به کار رفته است؟ د ۸۰ (ع: ۳ د: ۳)
  - ا. هو و عمرو ضربا خالداً ☐
  - ب. هو عینهُ جاءنی زیدٌ ☐
  - ج. هما زیدٌ وبکر فاضلان ☐
  - د. هو ضربنی بکرٌ ☒
۴. در کدام گزینه احتیاجی به رابط نیست؟ د ۸۹
  - ا. أنت الذی قام زیدٌ (إن کان المخاطب زیدٌ) ☐
  - ب. لا تقرّبوا الصلوة وأنتم سکاری ☐
  - ج. زیداً ضربت أخاه ☐
  - د. قولک إن ربّک لذو مغفرة ☒

تشریحی:

۱. در آیه شریفه «ما کان حجّتهم إلاّ أن قالوا» اسم و خبر کان کدام است؟ چرا؟ ۵۳ (ع: ۳ و ۲ د: ۲)
 

اسم: أن قالوا. خبر: حجّتهم.

دلیل: أنّهم حکموا لـ «أن وأن» المقدّرتین بمصدرٍ معرفٍ بحکم الضمیر (والرفع ضعیف کضعف الإخبار بالضمیر عمّا دونه فی التعریف).

۲. چرا استعمال صفت مشبّهه در مثال‌های «مررت برجل وجّهه حسن» و «زیدٌ حسنٌ فی الحرب وجهه» غلط است؟ ۵۹ (ع: ۳ د: ۲)
 

مثال اول: لأن معمولها لا يتقدّم عليها. مثال دوم: لأنه لا یفصل مرفوعه أو منصوبه.

۳. اسم استفهام را در هریک از مثال‌های زیر ترکیب کنید. ۶۵-۶ (ع: ۳ د: ۲)
  - ا. فأین تذهبون؟ ج. ظرف (مفعول فیه) و منصوب المحلّ.
  - ب. من رأیت أخاه؟ (دو وجه) ج. مبتدا یا مفعول برای فعل محذوف که به وسیله فعل مذکور تفسیر شده است.
  - ج. من أبّ لک؟ ج. فقط مبتدا

۴. عامل نصب «الشمس» در آیه شریفه «وجاعل اللیل سکناً والشمس والقمر حُسباناً» چیست؟ توضیح دهید. ۷۲ (ع: ۲ د: ۲)
 

در صورتی که در عطف بر محل وجود محرز را شرط ندانیم نصب «الشمس» به خاطر عطف شدن بر محل «اللیل» است ولی اگر شرط دانستیم علّت نصب، فعل یا شبه فعل مقدّر است. (ذکر یکی از دو مورد کافی است)

۵. در «لا تأكل سمكاً وتشرب لبناً» صور اعرابی محتمل در کلمه «تشرّب» را بنویسید و طبق هر صورت، عبارت را معنا کنید. ۷۶ (ع: ۳)

۳: ۲)

سه اعراب: جزم، نصب و رفع.

معنا در صورت جزم: نخور ماهی را و ننوش شیر را. معنا در صورت نصب: نخور ماهی را همراه با نوشیدن شیر. معنا در صورت رفع: نخور ماهی را و در نوشیدن شیر مختاری.

\* فی جواز عطف الإسمية على الفعلية وبالعكس ثلاثة أقوال: أحدها الجواز مطلقاً وهو المفهوم من قول النحويين في باب الاشتغال في مثل «قام زيدٌ وعمراً أكرمه» إنَّ نصب «عمراً» أرجح. ۷۸ (ع: ۳: ۳)

۶. قول را همراه با دلیل آن بنویسید.

عطف جمله اسمیه بر فعلیه جایز است مطلقاً؛ زیرا نحویین در باب اشتغال در مثال «قام زيدٌ وعمراً أكرمه» نصب را ارجح و رفع را جایز دانسته‌اند و زمانی که رفع را جایز دانسته‌اند یعنی عطف اسمیه بر فعلیه را جایز دانسته‌اند.

۷. به نظر مصنف چرا در «نعم رجلاً زيدٌ» «زيد» فاعل «نعم» نیست؟ ۷۹ (ع: ۲: ۲)

به دو دلیل: ۱. زیرا در برخی موارد بر سر مخصوص «كان» داخل می‌شود در حالی که دخول ناسخ بر فاعل صحیح نیست.

۲. از آنجا که مخصوص گاهی حذف می‌شود در صورت فاعلیت آن، لازم می‌آید فاعل حذف شود، حال آنکه حذف نمی‌شود.

۸. دو باب از ابوابی را که مضاف از مضاف الیه کسب بناء می‌کند، نام ببرید. ۹۳-۴ (ع: ۱: ۲)

۱. أن يكون المضاف مبهماً كغير ومثل و دون. ۲. أن يكون المضاف زماناً مبهماً والمضاف إليه فعل مبنی. ۳. أن يكون زماناً مبهماً والمضاف إليه فعل مبنی.

\* إن لم يكن الوصف بمعنى الحال والاستقبال فإضافته محضة تفيد التعريف والتخصيص ... وعلى هذا صح وصف اسم الله تعالى بـ مالک يوم الدين.

۹. أ. مطلب فوق را توضیح دهید. ب. چرا «مالک» می‌تواند صفت «الله» باشد؟ ۹۱ (ع: ۳: ۲)

أ. إضافة وصفی که زمانش حال یا استقبال نیست إضافة معنوی است؛ بنا بر این در صورتی که به معرفه اضافه شود کسب تعریف می‌کند؛ مثل «مالک» که به «يوم الدين» اضافه شده است.

ب. چون لفظ «مالک» به معنی حال یا استقبال نمی‌باشد إضافة آن به «يوم الدين» إضافة معنویه (محضة) است و از مضاف الیه کسب تعریف می‌کند. (پس می‌تواند صفت برای لفظ الله که معرفه است واقع شود)